

خبر کوتاه

استقلال و گل های تکراری

یکم- از خوبی‌های کار کردن با یحیی یکی هم این است:..سهای همه جا داردا نه از یک رفتار اخلاقی صرف‌نظر میکند و نه یک عکس‌العمل را به حساب می‌آورد و اخلاقیات بی‌شما خواهان را زیاده‌طلبانه می‌گذارد! نه چشم می‌پوشد و نه غلو می‌کند! که هر چیزی به‌جای خویش نیکوست! ندیده می‌پذیریم که در مورد اخیر که امید عالی‌شاه را از تیم کنار گذراده، صرفه و سود باشگاه و تیم چنین اقتضا می‌کرد! یک بار شل آمدن و وادادن، مساوی است با همه چیز را باختن! گل‌محمدی به کمبود «ادای مدیریتی» مبتلا نیست! بگذریم و اجازه بدهیم، صلاح مملکت خویش خسروان هر تیم اعمال می‌کنند! حتی کمی سختگیر می‌هم جای دوری نمی‌رود!

و اما استقلال و فولاد! از مهم‌ترین گفته محمود فکری کمک می‌گیریم تا بدانیم که چرا استقلال، یک بازی برده را باخت و چرا این باخت، استقلال نکراری هم بود؟ در کدام مسابقه مربوط به سال پیش بود که دانشگر و بقیه، روی یک ارسال ساده، بد جاگرفته و گل بدی خوردند؟ جای‌گیری باز هم غلط، دست از سر استقلال برنمی‌دارد!

کابله‌شکافی یک باخت!

دوم- فکری ادای شجاعان را درنمی‌آورد! حاج‌محمود، واقعا دل یک بزرگ است! ولی او باید بداند که تقصیر کدام اشتباه یا کدامین اشتباهات را برعهده خود می‌داند! کوتاهی تیم آقای فکری چه بود؟ استقلال که مسابقه را به سود خود با گل وریا غفوری پیش می‌برد، کجا را واداد و چه کرارتی را مرتکب شد که باخت؟ یا اینکه فولاد، سوراخ دعرا در کجا دیده بود؟

فکری اگر این علت را نباید، هیچ درسی از هیچ آموزگاری نخواهد آموخت و باز هم به همین شکل و با همین سبقت خواهد باخت! محمود فکری، یک «تعارفی» زده است، مبدا که «شاه‌عبدالعظیمی» باشد! محمود فکری در بجا آوردن یک واجب دیگر ناچار می‌نماید…! چرا بازی اول خود را- برابر مس کرمان- برد؟ و چگونه از فولاد که در پرسینگ قوی‌تر می‌نمود، پیش افتاد و برای دقایقی هم برنده نشان دادا برنده‌ای که باختن را دوست‌تر می‌داشت و ترجیح می‌داد انگار که!

برای صدمین بار باید گفت و نهیب زد که:..حضرات، دفاع کردن، دفع توپ نیست! با تور کردن توپ، خطر را زمینه‌چینی می‌کنید! دفع توپ در دفاع اجبار پیدا می‌کند!

و اما جواد نکونام

سوم- سبک مربیگری جواد نکونام فقط جالب و دیدنی نیست که سخت مؤثر هم هست! فولاد در اغلب بازی‌هایش یک پار اضافی دارد! پاری که بقیه را از ا لیستان و «بیست‌وزری» کردن بازمی‌دارد! فولاد بدون جواد، یک تیم عادی و معمولی است با او، قالب یک مدعی را به‌خود می‌گیرد! فوتبال نیکونام علیه حریفانش، خرابکار است! تجربیگر هم هست! تجربیگری علیه حریفان! و در سومین هفته، فولاد اهواز با گل گهر مسابقه داردا پیکار هفتتا!

اما گلگهر سیرجان در حال اثبات دوباره این فرضیه تثبیت شده است: با اصول و اسلوب بازی کردن، ولو آنکه غلط باشد، به مراتب بهتر است از دوین‌های سر به هوا! قلعه‌نویی، با وفاداری به گوشه های اصلی فوتبالش، یک بار دیگر خوش می‌درخسدا گلگهر، چه در سیرجان یا رفسنجان، چه با تکیه به کی‌روش استنلی یا آکتا به گادوین منشا، بازی با مهاجمان نوک را خوب بلد است! لازم باشد از روی هوا، لازم باشد از روی زمین! گلگهر، بازیکناتی دارد معمولی و فوتبال را طوری بازی می‌کند که انگار بهترین‌هایند! چرا؟ چون بهتر از همه حرف گوش می‌کنند! چون برای مربی خود، کم‌نمی‌گذارند!

تیم سپاهان این هفته به تیریز می‌رود! برای باز کردن حسایی نو برابر تراکتور! این‌هم یک بازی بزرگ دیگر!

لیگ یکک، لیگ یکک، لیگ شماره یک ها

چهارم- هم ملوان هست و هم شاهین بوشهر! دو بخش از فوتبال اصیل ایرانی! هم از ملاتانی- شهری در خوزستان- تیم خوش‌نقشی داریم در لیگ یک و هم دل خوشیم به حضور استقلال هوزا! اسم‌های نابین باز هم هستند! یکی خبیر خرم‌آباد که باید مسئولانه پابیدش تا دوباره صاحب ۳۰ هزار تماشاگر بشویم!

لیگ یک از امروزه را می‌افتد و چه راه افتادن! شیراز با تیم‌های قشقای و فجر سپاسی! گیلان در کنار ملوان، چوکا تالش و شهرداری آستان! عنایتی با هوادارش، مس کرمان، گل ریحان کرچ، اضافه کن به این خونا، تلی‌های خوب دیگری چون ۹۰ رومیه را خوشه میزانی ساه و ا پارس جوبی شهر جم را و امسال، رایگای بابل را هم نباید دست‌کم گرفت! لیگ یک، با ۱۱، ۱۲ تیم خواننده و پرانگیزه، رقابتی دارد دیدنی! گویا امسال نویت رسیده است به ملوان، مس کرمان، آستانرا، فجرسپاسی و رایگای بابل!

داوری: دوروزن میلیاردمی اشتباهات

پنجم- هم گل افساید داشتیم و هم پنالتی دلخواه! هم داورانی دیدیم که باید به احترام عملکردشان و کوشش در صحیح دیدن‌شان از جای خود برخیزیم و هم باید از عالیجنابان لجاز داوری برسریم که چرا؟ این‌همه اشتباه که توجیهی دارند! مگر شما، مدیران و اداره‌کنندگان داوری نیستید؟ مگر داوران خود ناخداپایان داخل زمین به شمار نمی‌روند؟ پی‌س چرا جایگاه خود و سنگینی وزن‌شان را نمی‌دانید و حد نمی‌شناسید؟! چرا خود را و داوری‌ها را پراشتباه می‌خواهید؟! چرا داوران را صاحب اقتدار و مردان اقتدار‌گرای لیگ نمی‌خواهید و اجازه لازم را نمی‌دهید؟

در دو هفته، ۸٫۷، و بلکه ۱۰٫۰ تصمیم سرنوت‌ساز! در دو هفته داوری، تأثیری دارد به مراتب بیشتر از بازیکنان ممتاز در کسب نتایج مسلیفه‌ها! گل به تیم نساجی را- که خورد- یا چه معیاری گل گرفتند؟ و اخراج در دقیقه یکم، جواب کدام غلط رفتاری بود؟ کارت قرمز الکی را چه می‌کنیم؟ این بازیها، چندین صد میلیارد تومان ارزش و بهای پول دارند! در ازای هر اشتباه، چند میلیارد تومان در هفته هدر می‌شود!

سپهر ستاری

احتمالا در روزهای آینده دیاباته با عذرخواهی از فکری به تمرینات استقلال بر می‌گردد.
شیخ دیاباته،هوزی که خبر رسید قراردادش با استقلال را تمدید کرده هواداران این تیم نفس راحتی کشیدند.جداپی اش آزار دهنده بود و به قول دو آتشه ها:«منی شد با آن کنار آمد». روزی نبود که هواداران برای بازگشتش به ایران لحظه شماری نکنند.بارها و بارها آنها مدیران را تحت فشار گذاشته و گفته بودند:«چه شد؟کی می‌آید؟» شیخ آمد و خیلی ها این آمدن و این ماندن را به نام خودشان سند زنده اما آنچه مهم بود شیخ آمد و استقلالی ها با چنگ و دندان حفظ اش و البته هزینه ای نسبتا سنگین حفظ اش کردند!

چشمان بهت زده شیخ

عکس های زیادی از ماجرای فولاد ارنا منتشر شده است.یکی از عکس ها،همین عکس پایین است. ببینید.چشمان از حدقه بیرون زده شیخ،عصبانیت فکری و بقیه ماجرا،رقمه ساده بود و شاید شیخ هم نباید در این لحظه رازی رختکن می شد تا استوکاش را عوض کند اما داد و بیادادهای فکری که مرهم دردی نبود که باعث آزار استقلالی ها شد.

شیخ ثابت شده است، کادر فنی چطور؟

شیخ دیاباته محبوب هواداران استقلال است،فکری هم همین طور.اما نکته ای که وجود دارد این است که دیاباته خودش را ثابت کرده است.آن هم در تیم بزرگی مثل استقلال.مهاجمی شش دانگ که توانایی بالایی هم دارد.با این حال تصمیم فکری و کادر فنی اش پس از بازی این بوده است:«دیاباته اجازه تمرین کردن ندارد.»محمود فکری که خیلی زود به نیمکت استقلال رسید



نامناسب بوده ای تا قبل از اینکه وارد زمین شود از این اتفاق آگاهی نداشته است؟
دوم اینکه فکری با این تصمیم می خواهد اقتدار خودش را نشان بدهد!اگر او بازیکن بزرگی مثل شیخ فنی چطور؟تضمیننی هست که در صورت نیمکت نشیت کردن شیخ ای اخراج او و عدم ناامدی استقلال دست شان را در پوست گردو نگذارد.

حرفه ای گری،اقتدار سرمربی یا زهر چشم گرفتن از دیاباته؟

روز شنبه محمود فکری به شیخ دیاباته اجازه تمرین کردن نداد.از تصمیم فکری سه برداشت می شود انجام داد.اول اینکه او یک تصمیم حرفه ای گرفته و برای متنبه کردن بازیکنش تصمیم گرفته تا به او آموزش بدهد که در آن شرایط سخت و حساس نباید به رختکن می رفته تا استوک های خودش را تعویض کند.اگر استوک ها برای او

محمود فکری؛ دیگر جای تعارف نیست

ضربات سردارند.

شلوغی و بلبشو؛ بی‌نظم ترین نیمکت ممکن معمولاً آنچه در لب خط از تیم‌های بزرگ دنیا می‌بینیم به این شکل است که سرمربی لب خط حضور پیدا می‌کند و کمک اول و نکاتی را به‌طور مختصر در گوش سرمربی گوشزد می‌کند و پس از آن دیگر تصمیم سرمربی تیم است که با توجه به نظر کمکش چه تغییری در روند بازی به وجود بیآورد.

همچنان که در همین استقلال در فصل گذشته شاهد همین رابطه بین عمر دانسی و استراماچونی بودیم، اما درواقع با توجه به آنچه به چشم خودمان در بازی اول و این دیدار مشاهده کردیم روی نیمکت استقلال تمام مربیان برای خودشان بدون هماهنگی با نفر اول تیم به اظهارنظر می‌پردازند. از صمد فرماوی گرفته تا حنیف عمران زاده تا آرش برهانی و سعید عزیزیان و علاوه بر این چهار نفر، پرویز مطلومی نیز به‌عنوان یک سرپرست- مربی هرکدامشان، از دقیقه ۱ تا ۹۰ لحظه‌ای آرام و قرار ندارند و دائم سعی دارند تا نکاتی را به گوش بازیکنان داخل زمین برسانند. این موضوع قطعاً و بدون هیچ شک‌ی تمرکز محمود فکری را در حین بازی به حداقل می‌رساند و نتیجه این می‌شود که در اتفاقی نادر، استقلال ۱۰ دقیقه را با یک نفر کمتر بازی می‌کند، درست در همان لحظاتی که تیم نتیجه را واگذار کرده و باید به دنبال جبران گل خورده باشد درحالی‌که یک نفر از این افراد متوجه این نمی‌شود. آیا حق پرسیدن این سؤال را نداریم که چطور یک جیم مربی روی نیمکت هیچ‌کدامشان متوجه چنین موضوعی نمی‌شود؟

کاری به تعویض دانشگر بلافاصله پس از به ثمر رسیدن گل وریا نداریم که در نوع خود بسیار عجیب بود(معمولاً دیده‌شده این‌گونه جایبجایی‌ها، نه از دقیقه ۶۹ بلکه از دقیقه ۸۵ بعد و به‌منظور حفظ نتیجه صورت می‌گیرد) ولی حتی اگر این تصمیم درست بوده، ۱۰ نفره بازی کردن تیم را با یک عده ستاره روی نیمکت چگونه می‌شود تحلیل کرد؟

سؤال از کادرفنی

عدم استفاده از مهدی مهدی پور حتی برای دقایقی که بهترین آلترناتیو ممکن برای جانشینی علی کریمی مرکز ثقل فصل گذشته استقلال به شمار می‌رفت و اصرار بیش‌ازحد برای حضور فرشید باقری که روز خوش را سپری نمی‌کرد بازهم از پرسش‌هایی است که از شب گذشته ذهن طرفداران را به خود مشغول کرده و امیدواریم فکری

جنجال سه کلمه ای

که به زبان آورده بود، عذرخواهی می‌کرد. به هر روی او ترجیح داد سکوت کند و دربارهٔ اتفاقات رخ داده حرفی نزند. سکوت فکری و بزرگنشدن حرف‌های عجیب‌غریبش در فضای مجازی و حقیقی، باعث شد مدبرعامل باشگاه فولاد یعنی سعید آذری به میانه میدان بیاید و کتایه‌های تندى به محمود فکری بزند. او با نوشتن متنی در صفحات مجازی‌اش با کتایه سرمربی استقلال را خطاب قرار داد: «خانواده و نوامیس هر کس خط قرمز او است و این که یک معلم و مربی که آموزش‌دهنده است در حالی که از خودبیخود شده است، با را روی اخلاق و اصول بگذارد و با توهین به نوامیس کلیهٔ ارکان تیم رقیب سعی بر تخلیهٔ روحی-روانی خود کند و در کلبش فشار باخت دست به حرکات ناشایستی بزند که توات اخلاقی و انسانیت را نابود کند، هیچ‌گونه نمی‌توان توجیه کرد. ای کاش «فکری‌ها» قبل از این توهین‌های ناموسی رفتار عجب‌تبر در این موضوع را اما مسئولان باشگاه استقلال رقم زدند؛ جایی که به جای عذرخواهی ساده سعی در توجیه عمل سرمربی داشته و حتی از آن دفاع کردند! باشگاه استقلال با صدور بیانیهای، رفتار ارکان مختلف تیم رقیب را باعث عصبانیت محمود فکری توصیف کرده و آن را واکنشی نسبت به اقدامات بحثبرانگیز بازیکنان و کادر فنی رقیب توصیف کردند. در واقع بیانیه باشگاه استقلال این طور خلاصه می‌شد که چون اعضای کادر فنی تیم رقیب بداخلاقی کرده‌اند، محمود فکری حق داشته است که با الفاظ ناموسی از حجتانشان درآید!

فکری تنها نیست

این موضوع که عده‌ای از بازیکنان و مربیان فوتبال ادب و احترام را همیشه و در هر شرایطی رعایت نکرده و نمی‌کنند مورد تازهای ای نیست؛ همین روز گذشته جدال تازه‌ای بین هواداران دو تیم استقلال و پرسپولیس در فضای مجازی شکل گرفته بود و هر دو طرف مثال‌های متعددی برای فعلش‌های عجیب و غریب تیم رقیب داشتند؛ پیش‌تر هم از گوشه‌کنار مطبوعات قدیمی دیده شده بود که فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک بعضا به امری رایج بین فوتبالی‌ها تبدیل شده است؛ هرچند با گذر زمان و علمی‌ترشدن فوتبال، در کنار ورود مباحث روان‌شناسی به این پدیده، موضوع فحاشی‌ها کمی رنگ‌تر شده است. با این حال نکته‌ای که رفتار محمود فکری را پررنگ‌تر کرده این است که اگر فحش و حرف‌های ناشایستی هم در کار بوده، سعی داشته‌اند دور از دوربین و محافل عمومی باشد نه این که به صورت علنی، نوامیس تیم رقیب را در حضور ویدئوهای مسعدت خطاب قرار دهند؛ هرچند عملا این دو فعل، چه در خفا و چه به صورت علنی، ناشایست و غیر قابل پذیرش است.
فارغ از نمونه‌های داخلی که با کنکاشی ساده در آرشیوهای قدیمی می‌توان به دستش آورده، فحاشی فقط مربوط به فوتبال ایران نیست. در واقع این موضوع تبدیل به پدیده‌ای زشت در فوتبال جهانی هم شده و گهگاهی در سطح حرفه‌ای و سوپر حرفه‌ای هم دیده می‌شود که بازیکنان و مربیان بزرگ با الفاظ بسیار رکیک از خجالت‌دیک‌دیگر درمی‌آیند؛ نمونه‌هایش هم اتفاقا اصلا کم نیستند. برجسته‌ترین اتفاق این رفتار را می‌توان در جام جهانی ۲۰۰۶ جست؛ جایی که مارکو ماتراتزی به دلیل فحش ناموسی‌ای که به زین‌الدین زیندا داد، باعث عصبانیت و در نهایت اخراج او شد. در آن بازی، ماتراتزی مأمور مهر زدن بود و زیندان به او می‌گوید نیازی نیست در بازی این قدر بیرهانش را بکشد، اگر بیراهن را می‌خواهد می‌تواند بعد از بازی ن را بگیرد، ولی ماتراتزی در جواب می‌گوید «ترجیح می‌دهم تا از صحنه بازی داشته باشم». همان جمله باعث عصبانیت عجیبی شد که زیندان با سر به سینه ماتراتزی زد و از بازی اخراج شد. کمی بعد حرف‌های رکیک نیکلا آنکلا در جام جهانی ۲۰۱۰ خطاب به رمیون دومنک جهانی شد؛ عجیب آن که روزنامه مشهور اکسپ، الفاظ زشت آنکلا را به عنوان تیتیر یک بدون سانسور کار کرد! حرف‌های زلتان ابراهیم‌ووچ دو طرف مثال‌های متعددی برای فعلش‌های عجیب و غریب تیم رقیب داشتند؛ پیش‌تر هم از گوشه‌کنار

ماجرای فکری ،دیاباته و هزار و یک تفاوت

«ایرانی بازی»، خرید گل و شیرینی وچشمان بهت زده شیخ

شیخ دیاباته را اخراج کند برنده است و برای این حرفم دلیل دارم.هدف او این است که به پولش برسد و هر بار که مبلغی را دریافت کند همین رویه را ادامه می دهد.فکری ناراحت می شود چون از جنس استقلال است و بیشتر از دیاباته استقلال را دوست دارد.طبیعی است که او وقتی این رفتارها را می ببند ناراحت می شود.»از بازیکنی مثل ادموند اختر بعید است.شاید اگر فوتبال ایران حرفه ای بود و پول بازیکنان به موقع پرداخت می شد دیگر بهانه هایی اینچنینی به وجود نمی آمد تا از همین ابتدای لیگ استقلال وارد بحران شود.

سارویو قدیمی گل و شیرینی

خبر رسیده که وریا غفوری کاپیتان استقلال بعد از حواشی بازی فولاد و استقلال و ناراحتی که بین شیخ دیاباته و فکری به وجود آمد دی شیخ آبی ها صحبت کرده و به او دلیل ناراحتی فکری را توضیح دهند داد است.ظاهرا قرار بر این شده تا در روزهای آینده شیخ با عذرخواهی از سرمربی استقلال به تمرینات برگردد.

حرفه ای مثل شیخ دیاباته

از همان زمانی که شیخ در بازی با فولاد به زمین نرفت تا همین امروز خیلی ها منتظر این بودند تا حتی یک کلمه از دهان شیخ بیرون بیاید و آن را در بوق و کرنا کنند.دیاباته نه صفحه اینستاگرام دارد که بخواهد استوری بگذارد و نه هیچ صحبتی با کسی در این زمینه کرده است. این اتفاق را قیاس کنید با بازیکنی مثل فرشید باقری که وقتی از کوره در رفت هواداران استقلال را جیره خوار خواند و به کمیته انضباطی هم احضار شد.شیخ بازیکنی حرفه ای است و به هیچ عنوان اسیر حاشیه نخواهد شد.

ورزش

اخبار

قولی که ابراهیم شکوری به پرسپولیس ها داد

ابراهیم شکوری، معاون اجرایی باشگاه پرسپولیس درباره پاداش آسیایی سرخ‌پوشان توضیحاتی ارائه کرد. ابراهیم شکوری، معاون اجرایی باشگاه پرسپولیس در خصوص چگونه خرج شدن پاداش آسیایی سرخپوشان گفت: «من این قول را به هوادان می‌دهم که ما این‌ها را به سینت از این پول جایی غیر از باشگاه پرسپولیس هزینه‌شود. اگر این اتفاق رخ دهد مطمئن باشید من خودم یک لحظه هم در باشگاه پرسپولیس نمی‌مانم. امیدواریم این پول را بتوانیم جذب کنیم و سپس آن را در راستای توسعه پرسپولیس و زیرساخت‌های پرسپولیس هزینه کنیم.»

آشتی کنان شجاع و بیرانوند در فضای مجازی

بازیکنان سابق پرسپولیس که چندی قبل همدیگر را در اینستاگرام آنتفالو کرده بود با انتشار یک پت تصویری نشان دادند که دیگر با هم مشکلی ندارند. در حالی که حدود یک ماه پیش بر اقدامی عجیب شجاع خلیل زاده و علیرضا بیرانوند همدیگر را در اینستاگرام آنفالو کرده بودند، این بار با هم به دستور تصویری صحبت کردند تا مشخص شود مشکلاتشان برطرف شده است.شجاع و بیرانوند که حالا هر دو بازیکن پرسپولیس نیستند و در لیگ های خارجی توف می زنند زمان حضورشان در پرسپولیس از رفقای صمیمی بودند، حالا ترجیح داده به جای ادامه دادن دلخوری ها و آنفالو کردن، همان رفقای سابق برای همدیگر باقی بمانند.

از خاکستری می‌گشاید پر

از هافبک خلخق و با طراوات سال‌های دور استقلال و شاهین تا پرافتخار ترین سرمربی لیگ ایران، امیر قلعه نویی در ادبیات فوتبال ایران قرابت زیادی با واژه ثبات دارد. از قهرمانی در لیگ ایران، کله قطر و اسپایش در دوران بازی بگذریم به امیر قلعه نویدی ای می‌رسیم که به تنهایی ۵ بار هایش را به عنوان سرمربی قهرمان لیگ برتر کرده است، دستیار جوان ناصر خان حجازی سال ۸۲ به مدیران استقلال وعده قهرمانی لیگ را تا سه فصل آینده داد و به وعده اش هم عمل کرد. البته شاید اگر کمی خوش شانس‌تر بود، در همان سال اول هم جام حذفی را می‌برد و هم لیگ برتر را..

آن قدر حضورش در فوتبال ایران جذاب بود که پس از اولین قهرمانی اش او را به نیمکت تیم ملی رساندند اما شاید به قول خودش چون خارجی نبود فرصت کافی برای ادامه کار در تیم ملی به او ندادند و پس از حذف در جام ملت های ۲۰۰۷ در مس کرمان داشت و بازگشت دوباره اش به استقلال مصداق با قهرمان کردن تیم ۱۳ لیگ هفتم در لیگ هشتم بود..

ژنرال فوتبال ایران چسپاندن مدال هایش را با استقلال شروع کرد و توقع سپاهانی‌ها را فراتر از مرز های ایران رساند و زرد پوشان را تا چند قنده فتح لیگ قهرمانان آسیا برد. البته این نکته نباید بگذریم در سالی که باید به جای السد، سپاهان بر بام آسیا می ایستاد، کسی نبود تا به آن‌ها یادآوری کند رحمان احمدی نباید درون دروازه تیم قرار بگیرد چرا که او خطاظره و محروم است و همین قضیه باعث شد در حالی که السد را رفت و برگشت برده بودند از رقابت‌ها حذف شوند. در سال‌های اخیر او را از استقلال دور کرده‌اند چرا که همیشه بهترین عملکرد هایش را مقابل تیم محبوبش به نمایش گذاشته است و استقلال را از قهرمانی لیگ برتر دور کرده است.

با تراکتور جامی را نبرد اما در قامت مدعی ظاهر شدن را به خوبی در تیریز جا انداخت و در بازگشت دوباره اش به استقلال باز هم آبی‌ها را قهرمان لیگ ۹۱ کرد. برای درک ارزش امیر قلعه نویی و استقلال کنار هم کافی است به این نکته توجه کنیم که آبی‌ها فقط با قلعه نویی لیگ برتر را فتح کرده‌اند و آخرین قهرمانی قلعه نویی در لیگ برتر به زمان حضورش در استقلال بر می‌گردد. شاید اگر تعهد کاری و وفاداری اش به

سپاهان در کار نبود الان او به جای اسکوپچ روی نیمکت تیم ملی ایران حضور داشت اما با این سه سرمربیگری تیم ملی آرزوی دیرینه اش بود، رضایت مدیران سپاهان را شرط حضورش در تیم ملی کرد و مسئولان سپاهان او را فرستگ راه از نیمکت تیم ملی دور کردند تا قلعه نویی در پایان فصل با بی مهری هایی مواجه شود و با اصفهان وداع کند اما در پایان کسی به این اشاره نکرد این خود هواداران بودند که باعث حرکت اتویوس تیم به سمت استادیوم برای بازی با پرسپولیس شدند و بازی ۰-۳ به نفع سرخ پوشان به پایان رسید و سپاهان را از قهرمانی دور کرد. این خود مدیران بودند که قلعه نویی را به تیم ملی ندادند. قلعه نویی از اصفهان خارج شد اما آن قدر اعتبار و تجربه داشت که بدون تیم نماند. قلعه نویی حالا در گل گهر است جایی که هواداران و مسئولانش به خوبی این قضیه را درک کرده‌اند که قلعه نویی چه می‌تواند از فوتبال ایران دارد. تیم امیرخان حالا با ۶ امتیاز از بازی در صدد جدول یکم بیستم قرار دارد و قلعه نویی حالا با چالش جدید رو به رو است و باید ثابت کند حالا حالا ها می‌تواند در سطح اول فوتبال ایران حضور داشته باشد. او حالا کمی مری سرد و گرم چشیده ۵۷ ساله است؛ نه آن امیر قلعه نویی جوان که بازنامه سه ساله به استقلال آمد، هنوز شمع کیک تولد ۴۰ سالگی را فوت نکرده بود.

می‌گویند ققنوس این پرنده افسانه ای، هزار سال که زیست، خودش را به آتش می‌کشد و دوباره از خاکستر خود، مثل یک ققنوس جوان متولد می‌شود. امیر قلعه نویی در ۵۷ سالگی می‌خواهد ققنوس واره، از خاکستر خود بر بگشاید. سیرجان برای او همان مس کرمان است که در میانه دهه ۸۰ سکوی پرت دوباره اش به فوتبال ایران شد. این بار او در سیرجان دنبال یک بازگشت دوباره است تا حتی منتقدان خود را وادار به احترام کند.